

## بررسی رشد سیاسی و مذهبی مردم در عصر امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدالله رفیعی زابلی\*

### اشاره

امام حسین علیه السلام، سومین امام معصوم، پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام مدت ده سال در کنار برادر بزرگوارش، حسن بن علی علیه السلام قرار داشت؛<sup>۱</sup> تا اینکه بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام در سال ۴۹ قمری، رهبری شیعیان را در اختیار گرفت.<sup>۲</sup> مراد از عصر امام حسین علیه السلام در این مقاله، آغاز امامت ایشان تا زمان شهادت آن حضرت را دربرمی گیرد. برای بررسی وضعیت سیاسی و مذهبی مردم عصر امام حسین علیه السلام، ناگزیر از ریشه‌یابی جریان‌های سیاسی و مذهبی این دوره هستیم و به همین جهت، آنچه در نوشتار حاضر ارائه شده، بررسی گروه‌ها و گرایش‌های مذهبی و سیاسی در زمان امام حسین علیه السلام و میزان رشد یا انحراف آنها می‌باشد.

### الف. گروه‌ها و گرایش‌های مذهبی و سیاسی

در عصر امام حسین علیه السلام بررسی سه مذهب: شیعه، خوارج و عثمانیه حایز اهمیت است:

---

\* مدیر گروه ادیان و مذاهب مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم.

۱. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۱۴۳.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۵۵.

## ۱. شیعه

مذهب شیعه امامیه، به وسیله شخص پیامبر اسلام ﷺ نام‌گذاری شده است. نخستین نامی که در روزگار رسول خدا ﷺ آشکار گردید، شیعه بود؛<sup>۱</sup> اما عنوان شیعه در عصر پیامبر اسلام ﷺ به صورت یک مذهب مطرح نبوده، به مرور زمان با انسجام عقاید شیعی و رهبری امامان اهل بیت علیهم‌السلام، به شکل مذهب مستقل در برابر سایر مذاهب اسلامی خود را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه نهضت عاشورا، نهضتی کاملاً شیعی و اسلامی بود، لازم است سیر تحولات مذهب شیعه تا عصر امام حسین علیهما السلام مورد بررسی قرار گیرد.

## - مذهب علوی یا تشیع سیاسی

پس از قتل عثمان و خلافت امیر مؤمنان علیهما السلام، دو گرایش عثمانی و علوی در میان مسلمانان به وجود آمد. در این زمان، «شیعه» به کسی گفته می‌شد که علی علیهما السلام را بر عثمان مقدم می‌داشت. از این رو، اصطلاح شیعی و عثمانی رایج بود.<sup>۲</sup> گرایش مردم کوفه به امیر مؤمنان علیهما السلام، از نظر تاریخی به مذهب علوی و یا تشیع سیاسی، و به تعبیر برخی از محققان به تشیع عراقی معروف است. از منظر این تفکر، شیخین (ابوبکر و عمر) نیز خلیفه مشروع بوده و بنا به گفته قاضی عبدالجبار معتزلی، اعتقاد به برتری شیخین بر امیر مؤمنان علیهما السلام، از اعتقاد تشیع سیاسی بوده است. چه بسا در برخی موارد، سنت شیخین را بر سنت علی علیهما السلام ترجیح می‌دادند؛ به طوری که در کیفیت تقسیم غنایم در جنگ جمل به امام گفتند: «أَعْطِنَا سُنَّةَ الْعَمْرَيْنِ.» و یا اینکه وقتی امام دستور منع نماز تراویح را صادر کرد، تعداد بسیاری از کوفیان که در مسجد جمع شده بودند، فریاد

۱. سید محمد مهدی جعفری، دائرة المعارف تشیع، ص ۳-۵.

۲. سعد بن عبدالله اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۱۵۵.

«وَأَعْمَرَاهُ» سر دادند.<sup>۱</sup>

### - تشیع مذهبی یا اعتقادی در کوفه

از زمان ورود امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به کوفه، تشیع وارد مرحله جدیدی شد و این خود امام بود که در گسترش و تثبیت تشیع در میان کوفیان نقش اساسی بازی کردند. آن حضرت در آغاز ورود خویش به کوفه، در صحن مسجد کوفه اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درباره حدیث غدیر به شهادت طلبید و در حدود سیزده نفر صحابی شهادت دادند که ما از رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خدا شنیدیم که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَى مَوْلَاً؛ هر که من مولای او هستم، پس، علی مولای اوست.»<sup>۲</sup>

### - شیعیان مذهبی در زمان قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در شهر کوفه

در عصر امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ، در شهر کوفه شیعیانی قابل توجهی حضور داشتند. دلیل بر آن، این است که وقتی شیعیان کوفه عدم بیعت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ با یزید را شنیدند، تصمیم گرفتند تا امام را به کوفه بیاورند. آنان برای این منظور، در منزل سلیمان اجتماع کردند و از کار حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و آمدنش به مکه آگاه شدند و گفتند: به او نامه می نویسیم تا به کوفه بیاید. البته عده‌ای از اشراف فرصت طلب هم در این نامه نویسی مشارکت کردند که پس از آشکار شدن نشانه‌های فروشدن جنبش شیعی، در کربلا حاضر شدند و در رأس سپاه کوفه بر ضد امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ جنگیدند که این حرکت آنان، نشان از هماهنگی آنان در یک توطئه دارد.<sup>۳</sup>

در بصره نیز شیعیانی وجود داشتند و به همین دلیل، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به همراه غلامش که «سلیمان» نام داشت، نامه‌هایی برای شیعیان بصره نوشت.

۱. محمدرضا هدایت‌پناه، جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا، ص ۸-۹.

۲. احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴ و ۸۸.

۳. رسول جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ص ۲۰۵.

عبیدالله بن زیاد، حاکم بصره، از آمدن سلیمان آگاه شد و او را دستگیر کرد و به دار آویخت.<sup>۱</sup>

## ۲. فرقه خوارج

فرقه خوارج، در جنگ صفین از میان لشکر امام علی علیه السلام سر برآوردند. شعار این فرقه این بود که: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ حکومتی، جز حکومت خدا نیست.» امیر مؤمنان، علی علیه السلام در پاسخ به این کلام فرمود: «كَلِمَةُ حَقٍّ أُرِيدَ بِهَا بَاطِلٌ؛ این، کلمه‌ای حق است که از آن، باطل اراده شده است.»<sup>۲</sup>

مرکز این فرقه در «حروراء»، روستایی در پشت کوفه بود. به همین جهت، به خوارج، حروری می‌گفتند.<sup>۳</sup>

با وجود سرکوب خوارج در جنگ نهروان، سیاست‌های غیراسلامی معاویه باعث شد که خوارج کوفه، در زمان او قدرت بگیرند. آنان در کوفه چندین بار قیام کردند؛ ولی کارشان به وسیله حاکمان کوفه به شکست انجامید. آخرین سرکوبی خوارج در کوفه، توسط ابن زیاد، پس از به عهده گرفتن زمام امور کوفه انجام گرفت. بنابراین، با توجه به درگیری خوارج با امویان، شاید بتوان گفت آنان در جریان نهضت حسینی، با هیچ‌یک از دو طرف، همکاری نکرده‌اند.<sup>۴</sup>

## ۳. فرقه سیاسی - مذهبی عثمانیه

هنگامی که بی‌درنگ بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سقیفه بنی ساعده ابو بکر

۱. همان، ص ۲۰۶ - ۲۰۸.

۲. محیی‌الدین یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المذهب «مع تکملة السبکی والمطیعی»، ج ۱۹، ص ۲۱۸.

۳. محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، ج ۳، ص ۳۱۱.

۴. همان، ج ۵، ص ۳۲۳.

به عنوان خلیفه تعیین گردید،<sup>۱</sup> گروهی از مردم در برابر امام علی علیه السلام قرار گرفتند که عنوان خاصی نداشتند؛ بلکه به «طرفداران خلفا» (عمر و ابوبکر) معروف بودند. این گروه، بنا بر قول ابوحاتم رازی، بعد از کشته شدن عثمان در زمان معاویه و بعد از آن، به «عثمانیه» نامیده شدند. شیعیان علی علیه السلام در این زمان به نام «علویه» شهرت داشتند تا اینکه در زمان عباسیان، نام علویه و عثمانیه نسخ گردید و علویه به نام پیشین خود، یعنی شیعه برگشت و بر دیگران، اسم اهل سنت گذاشته شد و این اسم تا امروز ادامه دارد.<sup>۲</sup>

بنابراین، در عصر امام حسین علیه السلام مذهبی تحت عنوان «اهل سنت» وجود نداشت و مذهب عثمانی، در این زمان در برابر مذهب علوی و شیعه قرار داشت. عثمانیه، اصطلاح سیاسی و نام فرقه‌ای است که بستر تاریخی آن به کشته شدن عثمان و حوادث پس از آن بازمی‌گردد. اولین نمود تفکر عثمانی و تقابل سیاسی - نظامی آن با تفکر علوی، در جنگ جمل در سال ۳۶ ق بود که به شکست انجامید. در تفکر عقیدتی فرقه عثمانیه، خلافت سه خلیفه اول مطرح بوده و خلافت امام علی علیه السلام مورد قبول نبوده است؛ اما نوع افراطی آن، در ناصبی‌ها ظاهر می‌شد که با سب و لعن امیر مؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام همراه بود.<sup>۳</sup>

### الف- مذهب عثمانی در کوفه

کوفه، مرکز شیعه عقیدتی و سیاسی بود و بیشتر آنها از نوع تشیع سیاسی بودند و جمعیتی اندک، به تشیع مذهبی گرایش داشتند. تشیع سیاسی که خلافت عمر و

۱. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۱۶۸.

۳. محمدرضا هدایت‌پناه، جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا، ص ۱۲ - ۱۶.

ابوبکر را مشروع دانسته، آنان را بر امام علی علیه السلام مقدم می‌داشتند، در اثر حکومت رسمی امویان استعداد نزدیک‌شدن به مذهب عثمانیه را داشتند. همچنین، در کوفه وجود پیروان مذهب عثمانیه در زمان امام علی علیه السلام منتفی نبوده است؛ ولی گسترش و نهادینه‌شدن مذهب عثمانیه در کوفه، از سوی امویان، به‌ویژه معاویه بن ابوسفیان انجام گرفت. این تلاش امویان، در حدی بود که مذهب سفیانی، هم‌ردیف مذهب عثمانی شد و هر دو در سرکوبی علویان، هم‌هدف بودند.

معاویه، به‌ویژه بعد از صلح با امام حسن علیه السلام، برای شیعه‌زدایی شهرهای عراق، خاصه شهر کوفه و تقویت مذهب عثمانیه در این شهرها، تلاش همه‌جانبه‌ای نمود و برای این مقصود، حاکمان عثمانی مذهب را بر این شهرها می‌گماشت و از سیاست ارباب و تطمیع در تغییر افکار و عقاید استفاده می‌کرد و از عثمانی مذهب‌بان، به‌خصوص در شهر کوفه حمایت می‌کرد. سیاست‌های شیعه‌زدایی معاویه در دهه‌های چهل و پنجاه این بود که حتی افرادی را که در جنگ‌ها امیر مؤمنان علیه السلام را همراهی کرده بودند، از گذشته خود پشیمان سازد و مذهب فکری آنان را از تشیع سیاسی به عثمانی تبدیل کند.

به‌هرحال، با توجه به سیاست‌های امویان و تغییرات سیاسی آنان که زمینه‌های قبلی آن در کوفه به وجود آمده بود، شاهد جمعیت قابل توجهی از عثمانی مذهب‌ها در کوفه هستیم و همین عثمانی مذهب‌ها بودند که لشکر بزرگ ابن‌زیاد را در برابر امام حسین علیه السلام تشکیل دادند.<sup>۱</sup>

#### ب. چگونگی عقاید مردم عراق

در عراق، شهر کوفه از حیث اعتقادی و سیاسی، نمودی خاصی دارد. شهر کوفه،

در پی فتوحات عراق و ایران در سال ۱۷ق تأسیس شد. این شهر، همیشه پایگاه تشیع شناخته شده است.<sup>۱</sup> پیشینه تاریخی تشیع در کوفه، نشان می‌دهد تا زمان عثمان که در سال ۲۳ق به خلافت رسید، اندیشه‌های امام علی علیه السلام، به خصوص از جنبه مذهبی، در میان توده کوفیان مطرح نبوده است؛ بلکه آنان پیرو مکتب خلفا بوده‌اند. از این رو، هرگاه کسی در میان کوفیان از فضایل امام علی علیه السلام سخنی می‌گفت، از سوی مردم کوفه رانده می‌شد.<sup>۲</sup>

ظهور و گسترش سیاست‌های انحرافی عثمان، اعتراض‌های مسلمانان، به خصوص کوفیان را برانگیخت. امام علی علیه السلام موضع میانجیگری را در میان نیروهای معترض و عثمان داشت؛ اما با وجود این امر، طبیعی بود که مخالفت‌های امیر مؤمنان علیه السلام با سنت‌ها و سیاست‌های غلط عثمان، توجه معترضان را به خود جلب کند. پس از قتل عثمان، با وجود طلحه و زبیر - دو تن از رهبران معترضان - عایشه شک نداشت که یکی از آن دو، برای خلافت برگزیده خواهد شد؛ اما انصار و نیروهای یمنی کوفه و دیگران، تنها سراغ امیر مؤمنان علیه السلام رفتند و به اصرار زیاد، او را خلیفه خود انتخاب کردند.<sup>۳</sup>

با توجه به شواهد و سخنانی که به هنگام بیعت ایراد شد، به نظر می‌رسد که دو گرایش سیاسی و اعتقاد دینی در میان کوفیان در این انتخاب نقش داشته است؛ ولی به طور کلی، این انتخاب، یک انتخاب سیاسی بوده است؛ نه عقیدتی.<sup>۴</sup>

بیشتر کوفیان، گرایش علوی داشتند و معتقد بودند که علی علیه السلام علاوه بر اینکه بر عثمان برتری دارد، هیچ‌گونه دخالتی در کشته شدن عثمان نداشته و حتی در

۱. همان، ص ۳.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۵-۶.

۴. همان، ص ۶.

کمک به او از هیچ کوششی دریغ نورزیده است و خلافت او با توجه به بیعت اصحاب رسول خدا ﷺ، اعم از مهاجران و انصار و بزرگان از تابعین و نیز بیعت عمومی مردم، یک بیعت کامل و مشروع بوده است. اصطلاحی که برای اظهار چنین عقیده‌ای بیان می‌شد، دین علی در مقابل دین عثمان بود. بنابراین، از مهم‌ترین موضوعاتی که در نهضت‌های شیعی بر ضدّ شام و جنگ‌های در میان آنان رخ داده و نقش مهمی را که در برانگیختن دو سپاه داشته، تفکر مذهب علوی و عثمانی بوده است.<sup>۱</sup>

در عصر امام حسین علیه السلام، مردم عراق یا ساکنان دو شهر بصره و کوفه که ترکیبی از قبایل مختلف مهاجر، به‌ویژه یمنی‌ها بودند، از سلطه شام در هراس بودند. مردم بصره که به جهت جنگ جمل، بیشتر عثمانی‌مذهب شدند و شماری شیعه هم در میانشان بود؛ اما بسیاری از مردمان کوفه، شیعه‌مذهب بودند. کسانی هم بعد از صفین، خارجی‌مذهب شدند. عده فراوانی نیز هیچ‌کدام از این دو را نمی‌خواستند؛ همان‌طور که بنی‌امیه را نمی‌پسندیدند. شیعیان عراق، نیرومند بودند و بر حمایت از امام حسین علیه السلام اصرار داشتند. شاهد آنکه وقتی امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، آنان تسلیت‌نامه‌ای فرستاده، ارادت خود را به عنوان شیعه امام حسین علیه السلام به حضرت ابلاغ کردند و از امام خواستند تا نزد آنها برود؛ اما حسین بن علی علیه السلام دعوت آنان را نپذیرفت.<sup>۲</sup>

### ج. عقاید و موضع سیاسی مردم مدینه و مکه

شهر مکه که از شهرهای مهم بود، در عصر امام حسین علیه السلام هیچ‌گاه به عنوان یک شهر شیعی سابقه‌ای نداشته است. در این عصر، شهرهای عراق، به‌ویژه کوفه و

۱. همان، ص ۷.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۵.

بصره، اهمیت داشته است؛ زیرا یک سوم مردم کوفه شیعه بودند. شماری شیعه نیز در بصره زندگی می کردند. بنابراین، شهر کوفه مرکزیت شیعه را تشکیل می داد.<sup>۱</sup>

مردم مکه و مدینه، به خصوص انصار، غالباً از امویان منتفر بودند. اینها طرفدار خطّ میانی قریش بوده و پس از جمل و صفین که شماری فراوانی از انصار در آن از امام علی علیه السلام حمایت کردند، ساکنان مدینه طالب خطّ علوی نبوده و بیشتر جانبدار مشی عبدالله بن زبیر و یا عبدالله بن عمر بودند؛ با این تفاوت که امید انقلابی های این جمعیت، ابن زبیر بود.<sup>۲</sup>

#### د. عقاید و موضع سیاسی مردم شام

مردم شام که شامل مردم سوریه، اردن و فلسطین می شد، همگی از هواداران امویان بودند. مردم شام با تمام وجود از معاویه دفاع می کردند تا سلطنت میانشان بماند. وقتی معاویه در حال احتضار بود، آنان به دیدار معاویه آمدند و پس از آن، با ترس اظهار کردند: «وَكَاَنَّ الْبَيْعَةَ مِنْ بَعْدِهِ تَخْرُجُ مِنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِلَى آلِ أَبِي تَرَابٍ؛ لَا وَاللَّهِ، لَا تَرْضِي بِذَلِكَ أَبَدًا»<sup>۳</sup>؛ گویی بیعت بعد از معاویه، از آل ابوسفیان بیرون رفته، به آل ابوتراب برسد؛ نه خیر، به خدا سوگند! ما به این امر راضی نخواهیم بود.» سران شام در حضور معاویه که در حال احتضار بود، جمع شدند و در ضمن سخنانی، از علی بدگویی کردند و به جهت جنگ صفین که ضمن آن بسیاری از شامیان کشته شدند، به معاویه گفتند که اجازه نخواهند داد خلافت به فرزندان او برسد و به او گفتند خلافت را در دست پسرش قرار دهد.<sup>۴</sup>

۱. رسول جعفریان، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه، ص ۲۰۵.

۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۵.

۳. احمد بن اعثم الکوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۳۴۶.

۴. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۵ - ۴۶.

## ۵. انحراف عقیدتی و سیاسی عامه مردم توسط امویان

مردم شام خاندان اموی را از نسل پیغمبر می‌شناختند و از خود معاویه هم نقل شده است که به آنها می‌گفت: «نَحْنُ شَجَرَةُ رَسُولِ اللَّهِ.» آنان همچنین، خود را وارث خون عثمان می‌دانستند. یزید در اولین سخنرانی خود، لباس خونی عثمان را بر تن کرد و به منبر درآمد و به مردم شام گفت: «نَحْنُ أَهْلُ الْحَقِّ وَأَنْصَارُ الدِّينِ؛<sup>۱</sup> ما اهل حق، و یاری‌کنندگان دین هستیم.»

مردم شام و حتی آنانی که در مدینه از امویان پیروی می‌کردند، به شدت تحت تأثیر احادیث مجعول در فضایل معاویه و خاندان او قرار گرفته، به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و خاندان آن حضرت نگاهی منفی داشتند. دستگاه اموی از شگردهای مختلفی برای دور نگهداشتن مردم از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ استفاده می‌کردند؛<sup>۲</sup> در ادامه، به نمونه‌هایی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم.

### ۱. استفاده از مفاهیم سیاسی دوپهلوی

در عصر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ بود که از مفهوم سیاسی دوپهلوی برای آرام کردن مردم و رسیدن امویان به اهدافشان استفاده می‌کردند. استفاده از تعبیر «جماعت»، یکی از تعابیری است که عبدالله عمر در شب بیعت گرفتن برای یزیدبن معاویه به زبان آورد و خطاب به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و عبدالله بن زبیر گفت: «إِنِّي أَمَّا اللَّهُ وَلَا تُفَرِّقَا بَيْنَ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ؛<sup>۳</sup> تقوای الهی پیشه کنید و بین جماعت مسلمانان اختلاف نیندازید.» این عقیده شخصی عبدالله عمر، مستمسک بنی امیه قرار گرفت و بر این مسئله تأکید ورزیدند و مخالف با جماعت را به معنای خروج از دین می‌دانستند.

۱. همان، ص ۴۵.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۱۴۸.

## ۲. مفهوم بیعت و بیعت شکنی

چیزی دیگری که در میان مردم این عصر نهادینه شده بود، مفهوم بیعت و بیعت شکنی بود. معاویه مفهوم سیاسی شکستن بیعتی را که به زور از مردم می گرفت، به مثابه خروج از دین اسلام در میان مردم تثبیت کرده بود و با این شگرد، اهداف شوم خود را بر مردم تحمیل می کرد. مردم نیز این مسئله را پذیرفته بودند و از این رو، مردم شام و حامیان بنی امیه در سایر شهرها، امام حسین علیه السلام و یارانش را خارجی می گفتند.

هنگامی که عایشه به معاویه گفت: تو برادرم عبدالرحمن، پسر عمر، عبدالله بن زبیر و حسین فرزند فاطمه را تهدید کرده ای و مثل تو نمی تواند آنان را تهدید کند، معاویه در پاسخ او گفت: ای ام المؤمنین آرام باش! برادرت از چشمم بر من عزیزتر است؛ اما من برای پسرم یزید بیعت گرفته ام و همه مسلمانان هم با او بیعت کرده اند. آیا عقیده تو این است که بیعتی را که تا این اندازه تأکید شده، نقض کنم و مردم پیمان خویش را نقض کنند؟ عایشه پاسخ داد: عقیده من این نیست؛ اما با نرمی و مدارا با مردم برخورد کن.<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که حتی همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز تحت تأثیر این سیاست معاویه قرار گرفته و شکستن بیعتی را که با زور گرفته شده، جایز نمی داند.

## ۳. مفهوم فتنه

پدیده سیاسی و دینی دیگری که در این عصر در میان مردم به نفع سیاست های بنی امیه جا افتاده بود، مفهوم فتنه است. هرکسی در برابر دستگاه حکومتی معاویه و یزید قرار می گرفت، با سلاح دینی و سیاسی فتنه گر در جامعه معرفی می گردید؛ مثلاً مروان بن حکم با نوشتن نامه به معاویه که در آن می نویسد: «إِنِّي

۱. احمد بن اعثم الکوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۳۳۷.

لَسْتُ أَمِنَ أَنْ يَكُونَ حُسَيْنَ مَرَصِدًا لِّلْفِتْنَةِ وَأَظُنُّ يَوْمَكُمْ مِنْ حُسَيْنٍ طَوِيلًا»،<sup>۱</sup> امام حسین علیه السلام را متهم به فتنه‌انگیزی می‌کند. او در این نامه می‌گوید من در این باره ایمن نیستم که حسین منع فتنه شود و تصور می‌کنم داستانی طولانی با حسین خواهید داشت.

معاویه وقتی در پی این نامه مروان به امام حسین علیه السلام نامه می‌نویسد، امام پاسخ بسیار تندی برای معاویه می‌فرستد:

«أَتَانِي بِكِتَابِكَ وَأَنَا بَعِيرِ الْأَذَى بَلَعَكَ عَنِّي جَدِيرٌ وَمَا أَرَدْتُ لَكَ مُحَارِبَةً وَمَا أَظُنُّ لِي عِنْدَ اللَّهِ عُدْرًا فِي تَرْكِ جِهَادِكَ وَمَا أَعْظَمُ فِتْنَةً مِنْ وَلَايَتِكَ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛<sup>۲</sup> نامه‌ای از جانب تو رسید که در آن نسبت‌هایی داده بودی که سزاوار من نیست. من قصد محاربه و جنگ با تو ندارم؛ اما گمان نمی‌کنم در ترک جهاد با تو در پیشگاه خداوند بزرگ، عذر و بهانه‌ای داشته باشم و بدان که امروز هیچ فتنه‌ای برای امت اسلامی، بزرگ‌تر از حکومت تو بر آنان نیست.»

#### ۴. نظام قبیله‌ای

نظام قبیله‌ای، از اموری است که در عصر امام حسین علیه السلام بر مردم حاکم بود. رؤسای قبایل و اشراف، نقش مهمی در جهت‌دادن مردم داشتند و همه افراد تحت سلطه رئیس قبیله، به راحتی دستور و سخن او را می‌پذیرفتند.<sup>۳</sup> در عصر امام حسین علیه السلام یکی از آفت‌های تباہ‌کننده جامعه، همین نظام قبیله‌ای بود که سران قبیله از سوی سیاست‌مداران اموی به راحتی قابل خرید بوده، پیروان آنان بدون اینکه از حقایق باخبر باشند، از آنها پیروی می‌کردند. این سیاست، همراه

۱. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۰۵.

۲. همان، ص ۲۰۶.

۳. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۴۸.

با ایجاد رعب و ترس، در حادثه عاشورا نقش اساسی علیه قیام امام حسین علیه السلام بازی کرد. از این رو، عبیدالله بن زیاد با اعمال روش استبدادی و همراه کردن اشراف با خویش، توانست کوفه را در سلطه خود بگیرد و مردم را پراکنده کند تا مُسلم در کوفه تنها بماند.<sup>۱</sup>

### پاسخ به یک شبهه

برخی این شبهه را مطرح نموده‌اند که خود شیعیان کوفه امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند؛ زیرا اینان امام را دعوت نموده، سپس به ایشان خیانت کردند. در پاسخ به این شبهه باید گفت: در آن زمان، شیعه به معنای مصطلح امروزی وجود نداشته است؛ درحقیقت چهار گروه در کوفه وجود داشتند که از امام دعوت کردند:

۱. شیعیان خالص که در اقلیت بودند. اینان همان شیعیانی بودند که امام را همراهی نمودن و به وعده خود وفادار ماندند و در نهایت، به شهادت رسیدند و اگر هم باقی ماندند، قیام‌هایی مانند توّابین را به وجود آوردند.
۲. شیعیان اعتقادی و سیاسی که از ظلم بنی‌امیه به تنگ آمده بودند.
۳. خوارجی که در کوفه زندگی می‌کردند و در شهادت امام حسین علیه السلام نقش داشتند.

۴. عمّال و پیروان بنو‌امیه. این گروه، از دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام بودند و می‌کوشیدند با حيله و نیرنگ، به اهداف خود دست یابند. اینان امام را دعوت کرده بودند و بزرگ‌ترین نقش را نیز در قتل امام داشتند.
- افزون بر اهل کوفه، لشکری از شام نیز در کربلا حضور داشت؛ چنان‌که برای

---

۱. رسول جعفریان، حیات فکری - سیاسی امام شیعه، ص ۲۰۸.

این مطلب، شواهدی نیز وجود دارد؛ از جمله از امام صادق علیه السلام می‌پرسند: حکم روزه گرفتن روز تاسوعا و عاشورا چگونه است؟ آن حضرت می‌فرماید:

«تاسوعا، روزی است که حسین و یارانش در کربلا به واسطه سپاهیان شام محاصره شدند... ابن‌زیاد و عمر سعد از زیادی لشکر خویش خوشحال شدند.»<sup>۱</sup> در این زمینه، شیخ صدوق رحمته الله به سند خود این گونه روایت می‌کند: «امام حسین علیه السلام به جانب راست و چپ نگاهی کرد و هیچ‌کس را ندید. سپس، سر را به آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا! تو می‌بینی که با فرزند پیامبرت چگونه رفتار می‌کنند... در این هنگام، سنان‌بن‌انس و شمر بن‌ذی‌الجوشن به همراه مردانی از اهل شام آمدند.»<sup>۲</sup>

همچنین، درباره روزه روز عاشورا در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده که حضرت فرمود:

«همانا آل امیه و کسانی از شامیان که آنان را در کشتن امام حسین علیه السلام یاری کردند، نذر نمودند که اگر بر حسین پیروز شدند و خلافت را به دست آوردند، این روز را عید بگیرند و به جهت شکرانه آن، روزه بگیرند و این برای آل ابی‌سفیان تا به امروز، سنتی شده است.»<sup>۳</sup> آری، بنی‌امیه روز عاشورا را جشن می‌گرفتند و هم‌اکنون نیز عمل وهابیان بر همین منوال است.

تعداد دقیق سپاهی که از شام در کربلا حضور داشتند، مشخص نیست؛ ولی اسامی عده‌ای از آنان به دست آمده است. این افراد در زمره شامیانی که در کوفه اقامت داشته‌اند، نبوده‌اند؛ بلکه نیروهایی بودند که از شام برای شرکت در قتل سیدالشهداء علیه السلام به کربلا اعزام شده بودند.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹۵.

۲. شیخ صدوق، الأملی، ص ۱۶۳.

۳. همان، ص ۶۶۷.

شایان توجه است که برخی هواداران بنی امیه برای تبرئه یزیدبن معاویه به این شبهه بی بنیاد دامن می‌زنند که خود شیعیان، امام حسین علیه السلام را دعوت کردند و خود آنان او را کشتند! این، در حالی است که به گواهی تاریخ در کشته شدن امام حسین علیه السلام و یاران با وفای آن حضرت توسط یزید و عمال او، هیچ ابهامی وجود ندارد؛ مثلاً ذهبی در ضمن بیان حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه از تهدید ابن زیاد، توسط یزید سخن گفته و می‌گوید: ...از این رو، ابن زیاد حسین را کشت و سر او را برای یزید فرستاد.<sup>۱</sup>

ابن عساکر می‌گوید: «یزید، عبیدالله بن زیاد را امر نمود تا با حسین به جنگ پردازد و اگر پیروز شد، سر او را برای یزید بفرستد؛<sup>۲</sup> بلکه پیش از آن، هنگامی که امام حسین علیه السلام در مدینه بود، ولیدبن عتبه از سوی یزید مأمور شده بود که سر امام حسین علیه السلام را به او بفرستد و در برابر آن، هدیه ارزشمندی را بگیرد.»<sup>۳</sup>

اینکه شیعیان اعتقادی کوفه به همراه شیعیان سیاسی که از ظلم بنی امیه به تنگ آمده بودند، از امام حسین علیه السلام دعوت کرده بودند، دلیل نمی‌شود که شیعیان خالص، امام حسین علیه السلام را به شهادت رسانده‌اند؛ چه اینکه شیعیان خالص، تا پای جان از امام حسین علیه السلام حمایت نمودند و برخی از آنان، زندانی شدند و برخی هم مقهور سلطه حکومت ابن زیاد شدند و نتوانستند از امام خودشان حمایت کنند.

افزون بر اینها، در این ادعا که امام حسین علیه السلام را شیعیان به شهادت رسانده باشند، تناقض و تضادی آشکار وجود دارد؛ زیرا شیعه در این اصطلاح، به یار و

۱. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۵.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۳.

۳. احمدبن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۸.

انصار و پیرو امام حسین علیه السلام اطلاق می‌شود و کسانی که با امام حسین علیه السلام پیکار نموده و او را به شهادت رسانده، نمی‌توانند شیعه امام حسین علیه السلام باشند؛ بلکه هرکسی که علیه آن حضرت شمشیر کشیده، از مصادیق روشن دشمن اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌گردد. به گفته سعدالدین تفتازانی لعنت خدا بر کسانی باد که این حادثه را به وجود آوردند یا بر این کار شادمان شدند و یا در این امر، کمک کردند.<sup>۱</sup>

۱. سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد فی علم الکلام، ج ۵، ص ۳۱۱.